

مجلس پاریس:**دولتهای غربی ناگزیر اند
بر صحت انتخابات افغانستان مهر تأیید بگذارند**

هنوز نتایج نهائی انتخابات افغانستان معلوم و اعلام نشده، روز دوم سپتمبر ۲۰۰۹ نمایندگان بیست و هفت دولت جهان در مجلس یكروزه پاریس گرد هم آمده پس از بحث بر مسئله انتخابات افغانستان، در پایان، ریچارد هولبروک نماینده ایالات متحده امریکا سخنانی ایراد کرد که خلاصه آنرا میتوان چنین بیان نمود:

از نظر هیچ یک شرکت کنندگان مجلس پاریس تخطی و تقلب عظیم در انتخابات افغانستان پنهان نمانده است، اما نتایج نهائی آن هرچه باشد ناگزیر باید بر آن مهر تأیید زده شود، زیرا اگر انتخابات به دور دوم هم کشیده شود، چه کرزی و یا داکتر عبدالله عبدالله پیروز شود هر یک بر دیگری هیچ برتری ندارد و هیچ چیزی عوض نمیشود، اگر ممکن شود در کنار ریاست جمهوری یک نهاد یا اداره جدید ایجاد و تشکیل گردد تا اگر بشود بدانسویه صلاحیت رئیس جمهور محدود گردیده و یکتعداد افراد فاسد و مخرب از راس مقامات مهم دولتی دور ساخته شوند که از رشد بیشتر فساد جلوگیری بعمل آید و یا لاقلاً از فساد و تخریبات کاسته شود.

اما اینرا هم دریافته خواهند بود که دولت کرزی آنرا نمی پذیرد، بناءً قبل از پایان سال جاری تشکیل یک کنفرانس بین المللی را پیشنهاد نموده اند و طوریکه گفته شده هدف از آن اینست تا تصمیم گرفته شود که با تقویه اردو و پولیس افغانستان، مسأله جنگ با طالبان را بدولت آنکشور بسپارند و خود به تدریج قوای شانرا از آنجا خارج نمایند، که این طرح هم چندان منطقی بنظر نمیرسد.

تجربه هشت سال جنگ از سوی دولت ایالات متحده امریکا و ائتلاف بین المللی علیه طالبان میرساند که آنچه تاکنون بشکل کجدار و مریز گذشته نه تنها باعث ضعف و شکست نیروهای تروریزم در منطقه نشده بلکه به رشد هر چه بیشتر آن افزوده و اوضاع را بغرنج تر از پیش نموده است، اکنون عامل اساسی ادامه جنگ دیگر بر هیچ کس پوشیده نخواهد بود که تروریزم منطقه تحت رهبری نظامیان I-S-I پاکستان و سازمان القاعده بوده و مراکز تربیت و تجهیز تروریستها نیز در خاک پاکستان صورت میگیرد ولی اردوی امریکا عمدتاً مبارزه خود را با عملیات هوایی بیجهت علیه تروریست ها در خاک افغانستان متمرکز نموده است که نتیجه آن کاملاً معکوس ببار آمده است.

لذا تا زمانیکه تحت فشار بین المللی عناصر جنگ طلب از اردوی پاکستان تصفیه و سران سازمان القاعده نابود نشوند مشکل تروریزم در منطقه حل نخواهد شد، بلکه مردم جهان روز تا روز شاهد عملیات تروریستی بیشتری در منطقه و جهان خواهند بود و طرح واگذاری جنگ بدوش دولت افغانستان هم چندان مثبت و منطقی دیده نمی شود زیرا نیروهای بیش از چهل کشور جهان که با ساز و برگ پیش رفته نظامی قادر به حل مشکل تروریزم در منطقه نشده اند، دولت فاسد افغانستان چگونه قادر خواهد شد؟

با این وضع آیا طرح مذکور را برای خروج قوای خارجی از بن بست افغانستان میتوان چیز دیگری به غیر از به اصطلاح یک راه گنجشکک تعبیر نمود؟

اما اینکه چرا اوضاع تا این حد بغرنج و مایوس کننده شده است بنظر نگارنده، صرفنظر از علل و انگیزه های دیگر به سه عامل اساسی آتی میتوان اشاره نمود که به آن نسبت در ظرف هشت سال دولت امریکا و نیروهای ائتلاف بین المللی قادر به شکست تروریزم و تأمین امنیت در افغانستان نشده اند:

۱ - کم بها دادن به بازی سیاسی دو پهلو دولت پاکستان و ایران، زیرا معلوم بوده که دست پرورده های جنرال ضیالاحق در اردوی آنکشور و رژیم اسلامی ایران قصد دارند هر طور شده نیروهای امریکائی و بین المللی را مجبور و وادار بترک افغانستان نمایند و تاحال هر دو دولت مذکور از ضعف و عدم قاطعیت سیاست امریکا نفع فراوان برده اند، بخصوص دولت پاکستان به باج خواهی بیشتر ترغیب شده است، اگر در دوران ریاست جمهوری جورج بوش سالانه یک میلیارد دالر به آن کشور پرداخته می شد اکنون در دوران بارک او باما به یکنیم میلیارد دالر رسیده است.

۲ - سیاست امریکا در برابر فعالیت های تروریستی سازمان القاعده و طالبان بیشتر تاکتیکی و با استفاده از حملات هوایی بوده و ولایت هلمند یعنی بیش از ده ولسوالی را به اختیار آنها رها کرده اند که آنها از آن بحیث منطقه پایگاهی بهره برده و از طریق کشت کوکنار و قاچاق تریاک یک بخش وسیع منبع مالی خود را تأمین می نمایند. دولت امریکا و انگلیس همزمان با افزایش عملیات تروریستی تدریجاً به قوتهای شان در افغانستان افزوده اند، اما نه در آن حدی که ولسوالی هارا از تصرف طالبان خارج نمایند با این وضع متزلزل یكروز گفته میشود که در این جنگ

پیروزی ممکن نیست و به شکست خود در برابر تروریست ها سخن میگویند و روز دیگر از ادامه جنگ و شکست نهائی تروریسم و بازسازی افغانستان و منطقه حرف می زنند، بدین ترتیب سازمان تروریستی القاعده به پیروزی جهاد اسلامی در سراسر جهان امید وار شده و دولت پاکستان هم به باج خواهی بیشتر چنه می زند.

۳ -- پس از سقوط رژیم طالبان امریکائیا یک دولتی را زیرنام سازمان ملل در افغانستان از جنگساران و جنایتگران سرهمبندی کردند و سالها با بی اعتنائی در برابر سیاست مصحلت جوئی رئیس جمهور کرزی و گروهی فاسد نگاه کردند تا آنجا که حالا دولت افغانستان به یک دولت کاملاً مافیایی مبدل گردیده است و کرزی تا جایی پر، رو و غره شده است که اخیراً به حامیان امریکائی خود میگوید من دیگر ملبه ای دست کسی نیستم، کاش اینرا در آغاز تشکیل اداره موقت میگفت.

برای اینکه بیشتر از اصل مطلب که دربالا عنوان شده یعنی اظهار نظر برانتخابات ریاست جمهوری دور نشویم میتوان گفت باوجود افزایش جنگها و فضای بی امنیتی شش ملیون انسان برغم شنیدن و دیدن و بریدن انگشت و گوش و بینی در انتخابات شرکت وریده اند نشانگر شجاعت و علاقمندی شان به سیاست است و با وجود تخطی ها و تقلب کاریها از میان چهل و یک نفر کاندید که چهار نفر آن از درجه یک تا چهارم بیشترین رای مردم را بخود حایز شده اند این مساله جهت نشان دادن سیمای دولت و جامعه ایجاب بحث های تحلیل گرانه زیادی را می نماید اما من در اینجا بیک تذکر مختصر بسنده می کنم :

الف - از تعداد بیشترین رای که به نفع حامد کرزی و داکتر عبدالله تا کنون حساب شده پیدا است که اعمال نفوذ دستگاه دولت بیشتر از هر انگیزه چون دینی مذهبی ، قومی و پولی نقش اساسی در بدست آوردن رای به نفع دو نفر مذکور داشته است، بخصوص نقش آقای اتمر وزیر داخله را به حمایت از کرزی نمیتوان نادیده گرفت.

ب - از بیش از پنجصد هزار، رای که به داکتر رمضان بشر دوست داده شده است و او در ردیف سوم قرار گرفته است میتوان چنین استنباط نمود که انتقادات تند او از دولت و خائنین و جنایتگران و سوء استفاده جویان در مردم بی تاثیر نبوده در حقیقت مردم انتقادات وی را تائید و حمایت شان را از وی با دادن رای خود بدون کدام طماع و توقع مادی نشان دادند.

پ - داکتر اشرف غنی احمد زی که در ردیف چهارم حایز رای مردم شناخته شده است، در اوضاع و شرایط ناگوار کشور که برای رسیدن بمقام ریاست جمهوری حمایت خارجی، داشتن مقام دولتی و ثروت سرشار امر محتوم و لازمی می باشد و معرفت علمی و صداقت اخلاقی در افغانستان چندان بازار و خریدار ندارد جای بسی خوشی و امیداری خواهد بود که از میان چهل و یک کاندید مقام ریاست جمهوری همچو فردی به ردیف چهارم سر بلند نموده است، چون سخنان و پروژ ههائیکه وی ارائه داشته اساساً در میان اهل علم و دانش و جامعه نسبتاً پیشرفته میتواند قابل درک، هضم و حمایت واقع گردد و از آنجائیکه بنابر عدم رشد اقتصادی، علمی و نبود احزاب سیاسی و تشکل های صنفی، جامعه کاملاً به نفع جنگسالاران و خیانتگران می چرخد باید آقای احمد زی همینقدر رای که نصیب شده بخود ببالد و بیشتر منت گذار قشر آگاه و صادق جامعه باشد و برای فعالیتهای سیاسی بعدی باید اقدام به سازماندهی نماید.

خلاصه اگر مردم در این یکی دو دور انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی بنا برعوامل متعدد نتوانسته اند موفق به انتخاب شخص شایسته ای برای مقام ریاست جمهوری و انتخاب افراد آگاه و دلسوز برای نمایندگی خود در ولسی جرگه شوند امید است با ادامه روند دیموکراسی و ادامه روند بهتر انتخابات با همه کم و کاستش پس از یکی دو دوره دیگر موفق به رویکار آمدن رئیس جمهور شایسته ، پارلمان و دولت کارا نایل آیند.

پایان